آیا سجده بر غیر زمین جایز است؟!

نویسنده:
مصطفی حسینی طباطبائی

مراجعه و تصحیح:
اسحاق دبیری

فهرست

آیا سجده بر غیر زمین جایز است؟

سجده بر زمین (وجه الأرض) در پیشگاه خدا از افضل اعمال بوده و به خضوع و فروتنی در برابر حق نزدیکتر است فطوبی للساجدین لله علیها. با این همه در اینجا دو نکته وجود دارد. یکی آنکه تحقیق کنیم آیا سجده بر غیر زمین (غیر سنگ و خاک) شرعاً جایز است یا نه؟

دوم آنکه ببینیم اگر کسی بر وجه الأرض سجده نکند ولی بر روی فرش یا گلیمی نماز گزارد و قطعه سنگ یا پاره خشتی را در موضع سجده قرار دهد و پیشانی را بر روی آن نهد چه صورتی دارد؟

در مورد مسئلۀ نخست باید دانست که سجده بر غیر خاک و سنگ، شرعاً جایز و صحیح است، چه از دیدگاه قرآن کریم و چه از دیدگاه سنت رسول الله ﷺ.

اما از نظر قرآن در سورۀ کریمه فصلت می‌خوانیم: ﴿لَا تَسۡجُدُواْ لِلشَّمۡسِ وَلَا لِلۡقَمَرِ وَٱسۡجُدُواْۤ لِلَّهِ ٱلَّذِي خَلَقَهُنَّ﴾ (فصلت: ٣٧).

«برای خورشید و ماه سجده نکنید. برای خدایی سجده کنید که آنها را آفریده است».

وجه استدلال به آیۀ شریفه آن است که در این آیه، عمل خورشیدپرستان و ماه‌پرستان را «سجده» شمرده با اینکه آنها، مقید به سجده بر خاک و سنگ نبوده و نیستند و همین که آفتاب یا ماهتاب در اتاقشان تابید و یا از افق سر زد، در همان اتاق به سجده می‌رفتند. و قرآن مجید نیز کار آنها را سجده می‌شمرد جز آنکه می‌فرماید همین عمل را برای خدا انجام دهید نه برای مخلوقات او. پس لزومی ندارد که سجده حتما بر خاک و سنگ واقع شود و هو المطلوب.

اما از نظر سنت، در آثار وارده از کبار صحابه رسیده که رسول خدا ﷺ

مکرر بر حصیر و مسح (پلاس) و بساط (آنچه بر زمین می‌گسترند) و درنوک (نوعی از فرش) سجده می‌نموده است (علاوه بر اینکه به زمین نیز سجده کرده است). اینک به نمونه‌هایی از آثار صحابه در این باره توجه نمایید:

«عن أبي سعيد الخدري أنه دخل على رسول الله ﷺ فوجده يصلي على حصير يسجد عليه». (صحيح مسلم، 1/ 458).

یعنی: «از ابی سعید خدری گزارش شده که بر رسول خدا ﷺ وارد شد و او را یافت که بر حصیری نماز می‌گزارد و بر آن سجده می‌کند».

«عن ابن عباس ﭭ قال: كان رسول الله ﷺ يسجد على مسح». (الجامع الصغير سيوطى2/ 117).

یعنی: از ابن عباس ﭭ گزارش شده که گفت رسول خدا ﷺ بر پلاسی سجده می‌کرد».

«عن عكرمة قال: صلى بنا ابن عباس على درنوک قد طبق البيت يركع ويسجد عليه فقلت أتصلى على هذا؟ قال نعم، رأيت رسول الله ﷺ يصلي ويسجد عليه». (السنن الكبرى اثر بيهقى، 2/ 426).

یعنی: «از عکرمه گزارش شده که گفت ابن عباس بر فرشی که تمام اتاق را فرا گرفته بود (به امامت) بر ما نماز خواند و بر آن فرش رکوع و سجود نمود، بدو گفتم: آیا بر این فرش نماز می‌گزاری؟ گفت آری، رسول خدا ﷺ را دیدم که بر آن نماز می‌گزارد و سجده می‌کرد».

«عن ابن عباس أنه صلى على بساط ثم قال: صلى رسول الله على بساط». (السنن الكبرى، 3/ 437).

یعنی: از ابن عباس گزارش شده که بر فرشی نماز خواند سپس گفت

رسول خدا ﷺ بر فرشی نماز گزارد».

آثار وارده در این باره فراوان است و در کتب شیعه نیز پاره‌ای از آثار آمده که با مندرجات بالا موافقت دارد و از مجموع آنها مستفاد می‌شود که سجده بر غیر خاک و سنگ نیز جایز است.

اما مسئلهٔ دوم که آیا جایز است به هنگام نماز بر فرش یا پلاسی، پاره سنگ یا قطعهٔ خشتی بر آن نهیم و سجده کنیم؟ جواب آن است که رسول اکرم ﷺ فرموده‌اند: «**صلوا كما رأيتموني أصلي**».

یعنی: «چنان نماز گزارید که دیدید من نماز می‌گزارم».

و در هیچیک از آثار سنی و شیعی نیامده که رسول خدا ﷺ به هنگام نماز بر بساط یا حصیرش، سنگ یا پاره خشتی بر روی آن نهاده و سجده کرده باشد.

آری، پیامبر گرامی مکرر بر روی زمین نماز می‌گزارد و به هنگام داغ بودن ریگها (نه همیشه) سنگی را بر می‌داشت و در دست خود، خنک می‌ساخت سپس آنرا در میان سنگها می‌افکند و بر آن سجده می‌کرد تا پیشانیش نسوزد اما اینکار را در غیر مواقع داغ بودن زمین انجام نمی‌داد و بویژه هرگز بر روی فرش و بوریا قطعه‌ای سنگ یا خشت نمی‌نهاد و اینکار، از مستحدثات دورانهای بعد است و کمترین مدرکی در این باره از عمل رسول خدا ﷺ در دست نداریم. و عجب آنکه بزرگان صحابه حتی از اینکه بیماران (که قادر بر سجده نبودند) شیء معینی را به پیشانی برسانند نهی می‌نمودند و دستور می‌دادند که بیماران در رکوع و سجود فقط سر را خم کنند نه آنکه مُهر به پیشانی برسانند! چنانکه در سنن کبرای بیهقی می‌خوانیم: «**عن ابن مسعود أنه دخل على عتبة أخيه وهو يصلي على مسواک يرفعه إلى وجهه فأخذه فرمى به، ثم**

قال: أوم إيماءً ولتكن ركعتك أرفع من سجدتك». **(السنن الكبرى، 2/ 477)**.

یعنی: «از عبدالله بن مسعود آمده که او بر برادرش عتبه وارد شد در حالیکه وی نماز می‌گزارد و بر مسواکی سجده می‌کرد و آنرا بلند نموده بصورتش می‌رساند. ابن مسعود آن مسواک را از او گرفت و بکناری انداخت سپس گفت: «در وقت سجده به اشاره سجده کن و رکوع تو باید بلندتر از سجودت باشد (به هنگام سجود، سر خود را بیشتر خم کن)»».

و عبدالرزاق در المصنف آورده است که کسی از عبدالله بن عمر سؤال کرد: «**أيصلى الرجل على العود وهو مريض؟**». آیا جایز است که مرد به هنگام بیماری، بر چوب عود نماز گزارد؟ ابن عمر پاسخ داد: «**لا آمركم أن تتخذوا من دون الله أوثاناً!! من استطاع أن يصلي قائماً فليصل قائماً، فإن لم يستطع فجالساً، فإن لم يستطع فمضطجعاً يومئ إيماءً**». **(المصنف، 2/ 476)**.

یعنی: «به شما دستور نمی‌دهم که غیر از خدا بت‌هایی را انتخاب کنید! هرکس توانایی دارد که ایستاده نماز گزارد پس ایستاده نماز را برگزار کند، و اگر نتوانست نشسته بخوان، و چنانچه قادر نبود خوابیده نماز گزارد، (و به هنگام رکوع و سجود) اشاره کند».

آری، بزرگان صحابه نمی‌خواستند که مسلمانان بر اشیاء معینی بعنوان «مُهر نماز»! سجده کنند و آنانرا از اینکار منع می‌نمودند و فلسفۀ این موضوع نیز روشن است چرا که نماز، امری مقدس بشمار می‌رود و در صورتیکه ابزار ویژه‌ای (مانند مُهر) داشته باشد بتدریج آن ابزار نیز مقدس خواهد شد و مایۀ پرستش می‌گردد چنانکه امروز ملاحظه می‌کنیم در محیط شیعیان، مُهر نماز مقدس گشته و آنرا می‌بوسند و بر بالای دیده می‌نهند و از آن شفاء می‌طلبند. پس اگر کسی از قواعد فقه اسلامی آگاه باشد لازم است بعنوان «سد ذرائع» از

مُهر نهادن به هنگام نماز جلوگیری کند تا مُهرپرستی رواج نیابد، نه آنکه این بدعت را توسعه بخشد و مردمی را که مستعد پرستش اشیاء هستند به خطر شرک نزدیک کند.

امروز، مبارزه با این قبیل عادات مذهبی، نوعی خدمت به توحید شمرده می‌شود. اما اینکه نوشته‌اند: از عائشه نقل شده که گفت: ندیدم رسول خدا ﷺ به هنگام سجده بر زمین، پیشانی خود را با چیزی از گزند زمین حفظ کند! این سخن درست است و اصل روایت در مصنف عبدالرزاق (۳۹۷/۱) بدینصورت آمده: «**عن عائشة قالت: ما رأيت رسول الله ﷺ متقياً وجهه بشيء تعني في السجود**».

جز آنکه اولا در سند این روایت اشکالی وجود دارد زیرا در سند آن می‌خوانیم: **عبدالرزاق عن ابن عيينة عن مالک بن مغول عمن سمع ابن شريح بن هانئ عن أبيه يحدث عن عائشة**... چنانکه ملاحظه می‌فرمایید: مالک بن مغول از کسی حدیث را گرفته که او از شریح ابن هانئ شنیده است ولی خودش معلوم نیست که چه شخصی بوده؟ آیا محدث ثقه‌ای بوده یا فردی مغرض؟

بنابراین، روایت فوق سندش به راوی مجهولی می‌رسد و از درجۀ اعتبار ساقط است! این بلحاظ سند. اما بلحاظ متن، حدیث عائشه با آنچه از دیگر صحابه از رسول خدا ﷺ آوردیم منافات ندارد زیرا پیامبر یا بر روی حصیر و بساط نماز می‌خوانده و سجده می‌کرده و یا بر روی زمین، و در هر صورت، چیزی را میان صورت خود و سجده‌گاهش حائل نکرده است (یعنی مانند شیعیان امروز بر روی حصیر یا فرش یا زمین مُهر نمی‌گذاشته است!).

اما اگر کسی بخواهد از این روایت چنین نتیجه بگیرد که رسول خدا ﷺ همیشه بر روی زمین نماز می‌خوانده و مثلاً هیچگاه بر بوریا و حصیر، نماز

نگزارده!! در اینصورت با ده‌ها حدیث دیگر که مورد اجماع شیعه و سنی است مخالفت نموده و سخنش از درجۀ اعتبار ساقط است.

عجب آنکه بیهقی از خود عائشه گزارش نموده که رسول اکرم ﷺ بر روی «بت» (البت جمعش بتوت بمعنای پارچۀ کلفت (= ثوب غلیظ) یا بساط چرمی (= نطع) است)، یعنی بساط چرمی نماز خوانده و از قول وی می‌نویسد: «**إني رأيته ﷺ صلى يوم مطير ألقينا تحته بتاً**» (**السنن الكبرى**، 2/ 436).

خلاصه: آنکه سجده بر زمین، واجب نیست لیکن أفضل است و مراد از این سجده، سجده‌ای است که مستقیماً بر روی زمین انجام گیرد نه آنکه بر روی فرش صورت پذیرد بطوریکه مُهری زیر پیشانی نهند! که این، کاری مستحدث می‌باشد و رسول خدا ﷺ هرگز به چنین صورتی سجده نکرده است.

فساد این عمل و نتیجۀ ناپسند آن (که به مُهرپرستی انجامیده) نیز در تاریخ اسلام تجربه شده و چنان عیان است که حاجت به بیان نیست!

در آستانۀ ماه مبارک رمضان سال ۱۴۱۲ هجری قمری
(۱۳۷۵/۱۲/۱۳)
مصطفی حسینی طباطبائی

روایت منقول از امام مالک در بارۀ دست بر دست نهادن در نماز:

قال مالک في وضع اليمنى على اليسرى في الصلاة قال: لا أعرف ذلک في الفريضة ولکن في النوافل إذا طال القيام فلا بأس بذلک يعين به على نفسه. «سحنون» عن ابن وهب عن سفيان الثورى عن غير واحد من أصحاب رسول الله ﷺ أنهم رأوا رسول الله ﷺ واضعاً يده اليمنى على يده اليسرى في الصلاة[1].

ترجمه: مالک (امام اهل مدینه) در گذاشتن دست راست بر روی دست چپ در نماز گفته است که: «من چنین کاری را در نمازهای واجب (به عنوان سنت) نمی‌شناسم ولی در نمازهای نافله هنگامی که قیام، طولانی شود اشکالی ندارد که نماز گزار با اینکار، خود یاری کند».

سحنون از ابن وهب و او از سفیان ثوری گزارش کرده از چند تن یاران پیامبر ﷺ که آنها دیده‌اند رسول خدا ﷺ در نماز دست راست خود را بر دست چپ می‌نهاد[2].

---

[1]- روایات بسیاری است که چگونگی نماز پیامبر را برای ما بیان می‌کند، که در همه نمازهای خود دست را بر دست دیگر می‌گذاشتند، و همه آن صحیح هستند، و می‌توان برای اطلاع بیشتر به کتابهای حدیث و فقه مراجعه نمود.

[2]- (الجزء الأول من المدونة الكبرى للإمام مالک، طبع مصر، ص74، الاعتماد في الصلاة والاتكاء ووضع اليد على اليد من كتاب الوضوء، دار احياء التراث العربي).